



گزارش نهایی

# بررسی واکنش‌ها در برابر حملات کندز از نقطه نظر جندر





گزارش نهایی

# بررسی واکنش ها در برابر حملات کنند از نقطه نظر جندر

نیروی کاری جندر در عرصه کمک های  
بشر دوستانه

مشاور مستقل: جولیان کوربوز  
21 جون 2016



# فهرست مخففات

بررسی های بعد از کار عملی	<b>AARs</b>
پروژه بررسی ظرفیت ها	<b>ACAPS</b>
گروه های مخالفین مسلح	<b>AOG</b>
نهادهای جامعه مدنی	<b>CSOs</b>
ریاست مهاجرین و عودت کنندگان	<b>DoRR</b>
ریاست امور زنان	<b>DoWA</b>
نهاد میزبان کمیسیون اروپائیان	<b>ECHO</b>
میکانیزم واکنش های اضطراری	<b>ERM</b>
خشونت مبنی بر جنس	<b>GBV</b>
جنس در فعالیت های بشردوستانه	<b>GiHA</b>
افراد بیجا شده داخلی	<b>IDPs</b>
سازمان بین المللی مهاجرت	<b>IOM</b>
ادارات غیر دولتی	<b>NGOs</b>
کمیته مهاجرت ناروی	<b>NRC</b>
ردیابی مسیر تحرک جمعیت ها	<b>PMT</b>
هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان	<b>UNAMA</b>
کمیشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین	<b>UNHCR</b>
صندوق وجهی سازمان ملل متحد برای اطفال	<b>UNICEF</b>
اداره هماهنگی کمک های بشری سازمان ملل متحد	<b>UNOCHA</b>
دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر	<b>UNOHCHR</b>
برنامه واش یا آب، بهداشت، نظافت	<b>WASH</b>

# فهرست محتویات

IV	فهرست مخففات
2	پیشگفتار
3	معرفی
4	روش تحقیق
6	یافته های کلیدی
6	ارزیابی نیازمندیهای بشردوستانه
7	توزیع کمک ها
9	حفاظت و خشونت جنسیتی
11	دروس آموخته شده در مرحله بعد از اضطرار
12	نتیجه گیری
13	توصیه ها
15	ضمیمه الف: لست بررسی ها
16	ضمیمه ب: لست اشخاص کلیدی
17	ضمیمه ج: آجدای ورکشاپ

ما به فراهم سازی حد اقل معیار ها در عرصه تساوای جندر با پیاده سازی آن در تمام مراحل کاری از بررسی الی پلانگذاری، تطبیق، نظارت و ارزیابی متعهد میباشیم.

این گزارش با استفاده از یک تحلیل از حملات بالای ولایت کندز یک سلسله عملکرد های خوب را در این راستا خاطر نشان میسازد اما در عین حال همچنان به خلاء ها و چالش های اشاره میکند که ما با هم باید به آن رسیدگی نماییم. کار نیروی کاری جندر در عرصه فعالیت های بشردوستانه برای رسیدگی نمودن به این چالش ها از اهمیت اساسی برخوردار میباشد و من در انتظار مشورت های آنها در راستای تدویر رویکرد های ابتکاری و مؤثریت بیشتر به هدف تقویت نمودن فعالیت های ما در عرصه برنامه سازی پاسخگو به جندر میباشم.

*Mark R. Bowden*

مارک بودین

معاون نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد  
سرپرست و هماهنگ کننده فعالیت های بشردوستانه  
در افغانستان

با نهایت مسرت از چاپ و نشر گزارش تحلیلی واکنش های بشردوستانه در برابر حملات کندز در اواخر سال 2015 استقبال مینمایم. این گزارش یک مرور مؤثر از واکنش ها در راستای تعهدات ما به فعالیت های بشردوستانه میباشد.

زندگی نمودن در افغانستان چالش های زیادی را برای مردم آن در قبال دارد - ناامنی فراگیر تاثیرات بی ثباتی های سیاسی، فقر گسترده و یک سلسله آفات طبیعی را بدتر میسازد. برعلاوه این، نابرابری های جندر آسب پذیری مردم، بخصوص زنان و دختران را در برابر این همه مشکلات افزایش میبخشد اما پسران و مردان نیز از گزند آن در امان نیستند.

برای رسیدگی نمودن به این چالش ها، تیم کشوری ملل متحد و تیم کشوری فعالیت های بشردوستانه در افغانستان این حقیقت را پذیرفتند که فعالیت ها ما باید خلاء ها میان کار های انکشافی و کمک های بشردوستانه را پر سازد. برنامه سازی ما همچنان باید به نیازمندیهای خاص و اولویت های زنان و دختران - کسانی که میتوانند که نمایندگان مؤثر تغییر در عرصه فعالیت های بشردوستانه و انکشافی باشند - رسیدگی نماید.

نشست جهانی پیرامون فعالیت های بشردوستانه در ماه می 2016 اهمیت فعالیت های جندر در عرصه واکنش های بشردوستانه را خاطر نشان میسازد؛ تضمین نمودن اشتراک زنان در عرصه رهبری و پیشبرد واکنش بشردوستانه نه تنها منصفانه میباشد بلکه این واکنش ها را بیشتر مؤثر و فراگیر میسازد.



Vijay Ragh/Concern Worlwide/Concern Worlwide

## معرفی

جندر در عرصه فعالیت های بشردوستانه یک مشاور مستقل را به کار گماشتند تا حملات کندز را از نقطه نظر جندر به بررسی بگیرد. اهداف عمده این بررسی نکات ذیل میباشد:

- مورد تحلیل قرار دادن عوامل جندر در پاسخ های بشردوستانه برای کندز و ولایات همجوار آن،
- قلمداد نمودن چالش ها، موفقیت ها و خلاء ها در برنامه های جندر، و
- شناسایی نمودن ساحات پیشرفت برای واکنش های بشردوستانه در آینده.

یافته ها و سفارشات که در نتیجه این گزارش تحلیلی جندر فراهم گردیده است به کارمندان بشردوستانه کمک خواهد نمود تا بصورت بهتر بررسی های برنامه های نظارتی و واکنش های حساس از نقطه نظر جندر را در عرصه فعالیت های بشردوستانه تحت حالات اضطراری طراحی نموده و درک بهتر نسبت به آن حاصل نمایند.

به تاریخ 28 سپتامبر 2015، طالبان یک حمله خشونت آمیز را بالای شهر کندز، مرکز ولایت کندز انجام دادند. این حملات الی چند هفته اول ماه اکتوبر ادامه پیدا کرد و بعد از آن نیرو های امنیتی افغان توانستند دوباره کنترل این شهر را بدست بیاورند. این حملات به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد ملکی انجامید: قرار آمار گزارش داده شده توسط هیئت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان ((UNAMA 289 تن در نتیجه این حملات کشته و 559 تن دیگر زخمی گردیدند که در میان کشته شدگان 43 تن آنها را زنان و 23 تن دیگر آنها اطفال و از جمله مجروحین 79 تن آنها را زنان و 139 تن دیگر را اطفال تشکیل میداد (یوناما و دفتر کمیشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر 2015). این حملات همچنان به بیجا شدن بیشتر از 15000 خانواده به ولایات مختلف بشمول تخار، بدخشان، بغلان، بلخ، کابل و غیره انجامید (ایضاً).

با درک این مطلب که حالات اضطراری مانند حمله کندز مردان، زنان، دختران و پسران را به اشکال مختلف متأثر میسازد و به احتمال زیاد خطرات خشونت مبتنی بر جنسیت را تشدید میبخشد، نیروی کاری



Yasin Farjad/Concern Worldwide

## روش تحقیق

دو پرریز نتیشن نیز بعد از مطالعات و بررسی دفتری در دسترس مآقرار گرفتند (یک یادداشت «اندوخته های آموخته شده» که توسط کمیته مهاجرت ناروی تهیه گردیده است، یک ارزیابی نظارتی که توسط ACTED تهیه گردیده است و دو پرریز نتیشن پلورپاینت در رابطه به حفاظت از بیجاشوندگان در تالقان که توسط Worldwide Concern یا سازمان نگرانی های جهانی تهیه گردیده است).

مطالعات دفتری بر اساس موضوعات کلیدی ذیل انجام گردیده:

- مدارک و شواهد در زمینه تفکیک اطلاعات بر اساس جندر و سن.
- شمولیت زنان و ارگان ها و گروه های زنان در فعالیت های واکنش بشر دوستانه و جمع آوری ارقام ارزیابی
- توجه به آسیب پذیری، ظرفیت ها و ضروریات زنان، مردان، دختران و پسران در ساحات کلیدی مورد ملاحظه مانند توزیع کمک ها، حفاظت (با توجه ویژه به خشونت های مبتنی بر جنسیت)، و دسترسی به اسکان، خدمات صحتی، تعلیم و تربیه، واش یا (آب، بهداشت و خدمات بهداشتی)، و مصونیت غذایی.

این ارزیابی شامل سه روش کلیدی میباشد: (۱) مطالعه دفتری بررسی های از قبل صورت گرفته که در راستای واکنش اضطراری در جریان و یا بعد از تهاجم کندز انجام یافته اند و (۲) مصاحبه با آگاهی دهندگان کلیدی با اشتراک کارمندان اداری در عرصه تولید پرسشنامه و دیگر مواد لازم برای ارزیابی ها و یا همچنان با اشتراک آنها در واکنش در برابر حالت اضطراری، و (۳) برگزاری ورکشاپ و مشاورت با افراد ذیخصل کلیدی که در عرصه جندر در فعالیت های بشر دوستانه و انکشافی کار مینمایند. این سه روش بصورت پی در پی تطبیق گردیدند قسمیکه محتوای مصاحبه های آگاهی دهندگان کلیدی در روشی یافته های کلیدی دفتری مورد بررسی قرار گرفت و یافته های دو روش اولی در جریان ورکشاپ با افراد ذیخصل مورد بحث و انکشاف بیشتر قرار داده شد.

مطالعات دفتری در قدم نخست حاوی ۹ گزارش از بررسی های قبلی بود که توسط تیم کاری جندر در فعالیت های بشر دوستانه شریک ساخته شده بود (به ضمیمه الف برای لست این بررسی ها مراجعه کنید). این گزارشات توسط ارگان ها و شبکه های مختلف تهیه گردیده اند (طور مثال، Concern Worldwide، UNOCHA، UNHCR، IOM، ACAPS/Start Network، UNAMA/UNOHCHR، کلستر محافظتی زون شمال) و بالای واکنش اضطراری در کندز و ولایات دیگر از قبیل بدخشان، بغلان، بلخ و تخار که بیجا شده گان را در خود جا داده اند متمرکز میباشد. دو گزارش و

نتایج مطالعات دفتری اساس انکشاف یک سلسله ساحات موارد تمرکز کلیدی را تشکیل داد که در حین مصاحبه های آگهی دهندگان کلیدی مورد پیگیری قرار گرفتند. این ساحات موارد تمرکز کلیدی قرار نداشتند:

- جمع آوری ارقام در رابطه به واکنش های بشردوستانه حساس از نقطه نظر جندر که در بررسی ها شامل نبودند.
- درک نمودن معلومات حاصل شده از ساحه و ظرفیت ها مرتبط به واکنش های بشردوستانه حساس از نقطه نظر جندر.
- جمع آوری اطلاعات خام، ابزار ارزیابی و رهنمودها در رابطه به واکنش بشردوستانه
- مورد کاوش قرار دادن خلا ها میان گزارشات ارزیابی نهایی و اطلاعات خام/ابزار ارزیابی/رهنمود ها و دلایل این خلاها
- کاوش چالش ها و فرصت های بیشتر برای واکنش بشر دوستانه که از حساسیت جنسیتی برخوردار باشد، در اوقات اضطرار.

بنا بر محدودیت های امنیتی وضع شده سازمان ملل متحد در جریان کار ساحوی، مشاور نتوانست تا باخاطر مصاحبه های رو در رو راهی شهر کندز شود. چون شهر مزار شریف ولایت بلخ تعدادی از بیجا شده گان شهر کندز را در خود جا داده بود و این شهر یک پایگاه عملیاتی کلیدی برای کمک های بشر دوستانه در ساحات شمال و شمال شرق محسوب میشد، مشاور به این شهر سفر کرد و تعدادی از مصاحبه ها را در آنجا خودش اخذ نمود. مصاحبه های آگهی دهندگان کلیدی با ارگان ها در کندز، تالقان (تخار) و فیض آباد (بدخشان) ذریعه اسکایپ و تلفون انجام شدند. جمعاً به تعداد ۱۲ مصاحبه صورت گرفت. یکی از این مصاحبه ها در کابل به صورت حضوری با ۱۶ آگاه کلیدی انجام شد که در آنجا چندین مصاحبه ها بطور مشترک نیز صورت گرفت. لستی از آگاهی دهندگانی که مصاحبه شده اند در ضمیمه ب درج گردیده است.

بعد از جمع آوری نتایج مطالعات و بررسی دفتری و مصاحبه ها با آگاهی دهندگان کلیدی در مسوده ابتدائی گزارش بررسی، تیم کاری جندر در فعالیت های بشردوستانه در تسهیل ورکشاپ با ۲۷ ذینفع کلیدی که به تاریخ ۱ جون ۲۰۱۶ صورت گرفت سهم بارز داشت. این ورکشاپ شامل ارایه نتایج مقدماتی یافته های مطالعه، اخذ توصیه ها و پیشنهادات در رابطه با یافته ها و همچنان باخاطر بهتر سازی ارقام کنونی دایر گردیده بود. ذینفعان شامل واحد های کلیدی بشر دوستانه و جندر بالترتیب شامل ارگانهایی از قبیل دولت، سازمان های ملل متحد، و موسسات غیرانتفاعی داخلی و بین المللی بودند. ورکشاپ به چهار بخش کلیدی تقسیم گردیده بود: ارایه یافته های تحقیق (که با سوال و جواب همراه بود)، یک جلسه به شکل گروه های کوچک تا در باره اینکه چگونه چالش های را که در خصوص برنامه ریزی واکنش به جندر در مطالعه مذکور تشخیص گردیده اند مورد بررسی قرار دهد (این جلسه متعاقباً با دریافت نظریات از یک گروه کوچک به شکل گروهی پیش برده شد)، یک پرزنتیشن در رابطه با نکات کلیدی کلستر برای شمول سازی جندر و یک نشست جامع دیگر غرض مطالعه توصیه ها، پیشنهادات و راه های عملی برای پیش برد ایشان برگزار گردید.

بر اساس شرایط مندرج و همچنان روش کاری و میتود پیشنهاد شده، بعضی چالش ها در قسمت جمع آوری ارقام موجود میباشد. طور مثال، تنظیم مصاحبه های آگهی دهندگان کلیدی با یک سلسله مشکلات همراه بود خصوصاً با ارگان هایی که در کندز قرار داشتند. جمع آوری ارقام خام و ابزار ارزیابی نیز حاوی مشکلات بود. آگهی دهندگان کلیدی از ناحیه شریک سازی اسناد و

ارقام محرمانه و ابزار ارزیابی خرسندی نشان ندادند و بدست آوردن این اسناد برای ما کار خیلی مشکل بود. بعضی از آگاهی دهندگان نگرانی های خویش را در باره اینکه تجارب ایشان در قبال محدودیت ها و چالش ها در هنگام واکنش های اضطراری در گزارشات ممکن به طور موثر نه بلکه به طور منفی انعکاس داده شود بیان کردند. بعضی های دیگر از این ناحیه نگران بودند که تجربه ها و دیدگاه های ایشان نمایندگی از ارگان ایشان نمیکند و همچنان بنابر پالیسی های محرمیت ارگان های مربوطه خویش با ما چیزی را در میان گذارند. در نهایت این گزارش روند عمومی چالش ها و موفقیت ها در عرصه واکنش های حساس از لحاظ جندر در قبال حمله کندز را شناسائی نموده است و تنها بصراحت به ادارات در قضایا زمانی اشاره نموده است که اجازه آنها بصورت قبلی فراهم گردیده باشد و با هم اطلاعات مثال های عملکرد درست و خوب باشد.

مطالعه مذکور محدودیت هایی را هم در قبال دارد. ازینکه این ارزیابی ذاتاً کوچک بوده و مصاحبه های اندکی را در خود شامل داشته است، نتایج این گزارش لزوماً دربرگیرنده ارگان های بشر دوستانه که در واکنش بشر دوستانه تحاجم کنندز سهم داشتند نمیباشد. در عوض، این بررسی باید به عنوان یک تصویر کلی از برخی از موفقیت ها و چالش های تجربه شده و واکنش از دیدگاه جندر دیده شود.

# یافته های کلیدی

## فهم/ درک نسبت به جندر

ارزیابی هذا دریافته است که تعریف و فهم جندر نزد اشخاص و ارگانهای که به کمک های بشر دوستانه میپردازند از هم متفاوت میباشد. درین اواخر تمایل بیشتر بسوی کاهش برنامه ریزی تساوی جندر به فعالیت های ویژه میباشد که هدف آن رسیدگی به نیاز های زنان و یا دختران (تعلیم و تربیه دختران، بهداشت باروری، خشونت مبتنی بر جنسیت، تغذیه برای مادران شیرده و غیره) میباشد. اینکه مسئله جندر با سکتور های وسیع تر بشر دوستانه از قبیل واث یا (آب، بهداشت و خدمات بهداشتی)، اسکان، و توزیع کمک ها مهمتر از همه دارای کمک و جوه مشترک میباشد مورد تحلیل و رسیدگی قرار داده نشده است. نیاز های استراتژیک جندر (اشتراک، دسترسی، و تصمیم گیری) بر اساس نقش های تعیین شده توسط اجتماع، ظرفیت ها، و آسیب پذیری زنان، دختران، پسران و مردان تا کنون مورد تجزیه و رسیدگی قرار نگرفته است. اگرچه جندر در بررسی های که تحت این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است گنجانیده شده است، اما تمرکز بیشتر آن بالای موضوعات محافظتی بخصوص خشونت مبتنی بر جندر میباشد، و بالای اینکه جندر در سکتور های دیگر چطور گنجانیده خواهد شد، تاکید اندک صورت گرفته است. مصاحبه های آگاهی دهندگان کلیدی نیز عین تمرکز را نسبت به موارد مربوط به محافظت نشان داد، اگرچه این ممکن بنابر تمایلات غیر عینی در عرصه مصاحبه ها بوده باشد چون تعداد زیادی از آگاهی دهندگان کلیدی در بخش محافظت ایفای وظیفه مینمایند.

مصاحبه ها همچنان بعضی تنش ها میان تعریف های مختلف از مفهوم جندر و خشونت مبتنی بر جندر را آشکارا ساخت و اینرا نیز بیان کرد که چگونه این مفاهیم در برنامه ریزی یک واکنش بشردوستانه بکار گرفته میشوند. اشخاص و ارگانهایی که به کمک های بشر دوستانه میپردازند و بالخصوص آنهایی که در بخش محافظتی فعالیت دارند، قسمی پیشنهاد نمودند که برنامه ریزی تمام موضوعات جندر بطور لازم باید از دید خشونت مبتنی بر جنسیت تعریف گردند چونکه به آن نیاز ها و ظرفیت های زنان، مردان، دختران و پسران جوابگو است که ریشه آن در نابرابری های اجتماعی و ناعدالتی های که زنان و دختران را در مقایسه با مردان و پسران بطور نامتناسب تحت تاثیر قرار میدهد میباشد. این دیدگاه توأم با دیدگاهی است که مسئله جندر را یک چیز اضافی و مفرط تلقی میدهند.

## ارزیابی نیاز مندیهای بشردوستانه

مطالعات دفتری از ارزیابی های موجود اینرا نمودار ساختند که خلای بیشتری در خصوص جمع آوری ارقام به تفکیک سن و جنس در ارزیابی های نیاز مندیها برای کمک های بشر دوستانه موجود میباشد. طور مثال بعضی ارزیابی ها فقط «فامیل ها» را (نه ترکیبات جنسیتی و جندر در این فامیل ها را) و همچنان فقط «اشخاص» را (نه اینکه آیا ایشان مرد، زن، طفل، بزرگ سن و کهن سال اند) مورد عطف خویش قرار داده اند. در موقع مطالعات دفتری، معلوم نبود که آیا این ارقام موجود بودند و تنها در اسناد های ارزیابی درج نشده بوند (راپور داده نشده بودند) و یا اینکه اصلا این ارقام به تفکیک جنس و سن هیچ جمع آوری نگردیده

بودند. بسیاری از بررسی ها همچنان نشان دهنده عدم وضاحت در میتود و همچنان نمونه گیری که برای جمع آوری ارقام بررسی نیاز مندیها لازم است بودند. همچنان اینکه عدم داشتن معلومات عمومی در رابطه با استفاده انواع فارم ها برای بررسی نیاز مندیها و اینکه آیا اشتراک کننده گان شامل پاسخ دهندگان مرد و زن بودند و علاوه تا آیا کسانیکه مسول جمع آوری ارقام بودند حاوی تیم های مختلف اعم از مرد و زن بودند قابل ذکر است. اگر موانع سد راه تشکیل تیم مختلط جنسیتی شده بود و یا مانع جمع آوری ارقام توسط زنان شده بود باید بیان گردند.

مصاحبه با آگاهی دهنده گان خاطر نشان ساخته است که اساسا تیم های بررسی نیاز مندیها ارقام را به تفکیک سن و جنس جمع آوری نموده اند. ولی این ارقام در راپور ها بطور کامل درج نگردیده بودند. مطالعه هذا نشان میدهد که یکی از دلایل کلیدی برای گزارش ندانن ارقام به تفکیک جنس و سن به عدم موجودیت منابع مالی و بشری که ارقام را جمع آوری، داخل سیستم نموده و تجزیه و تحلیل نماید ارتباط میگردد. نیاز میرم به ترجمه ارقام (خصوصا ارقام کیفی) میباشد ولی این با کمبودی منابع بشری و مالی توأم است. یافته کلیدی دیگر این است که حتی وقتی معلومات تفکیک شده بر اساس جنس و سن جمع آوری میگرددب ظرفیت موجود برای تجزیه و تحلیل معلومات از دید جندر محدود میباشد. متعاقباً، باوجودیکه ترکیب سنی و جنسیتی فامیل های تحت تاثیر شرایط اضطراری ممکن شناسایی شده و گزارش داده شوند، ابعاد جنسیتی این ارقام به اساس رول ها، مسئولیت ها، ظرفیت ها و آسیب پذیری های مختلف مردان و زنان بطور مداوم مورد تفهیم و تحلیل قرار نمیگیرد.

یک تعداد چالش ها و خلا های دیگر نیز ظاهر گردیدند. جمع آوری اطلاعات بررسی نیاز مندیها به تفکیک جنس و سن اینرا تضمین نمیکند که از صدا های مستقیم شونندگان مرد و زن نمایندگی صورت بگیرد. منابع بشری محدود برای بسیج سازی سریع باعث این گردیده است که تیم های بررسی همیشه دارای تعداد کافی کارمندان بشمول همکاران محافظتی آموزش دیده و یا مشاورین جندر نبودند که بتوانند بصورت مؤثر در عرصه تطبیق این بررسی ها سهیم گردند. علاوه براین، و قسمیکه توقع میرود، توانمندی ارگان ها برای گماشتن کارمندان زن ارتباط مستقیم به مسئله امنیتی میگرفت، با وجودیکه بعضی از این ارگان ها در گماشتن کارمندان زن در شهر مزار شریف و تعداد اندکی هم در کنز به حیث تیم های ارزیابی موفق بودند. با وجودیکه در کنز تعداد اندکی از کارمندان زن در بررسی نیاز مندیها خصوصاً در مراحل با ثبات سازی کنز سهیم با ارزش داشتند، ممکن بود تا تعداد این کارمندان وقتیکه امنیت سرتاسری تامین گردید بیشتر گردد. مصاحبه های آگاهی کلیدی نشان دهنده بعضی از چالش ها فرا راه به کار گماشتن کارمندان زن را واضح ساختند. رسم و رواج سنتی که موجب محدود ساختن تحرک زن در اجتماع میباشد همواره یک چالش پنداشته میشود، خصوصاً در ساحاتی که از امنیت کامل برخوردار نمیشوند. یکی از این آگاهی دهنده گان بیان داشت که در ساحات پر امن از قبیل شهر مزار شریف حضور و تحرک زنان در اجتماع یک مسئله جدی نبوده بلکه چالش و مانع اصلی نبودن کارمندان بشردوستانه

1 قسمیکه در بخش روش کاری اشاره گردید، بنابر عدم دسترسی به ارقام خام و فارم های بررسی نیاز مندیها ممکن نبود تا این تایید گردد

زن میباشد. بنابراین، با توجه به اینکه تعداد کثیر ارگان های بشر دوستانه در هنگام اضطراب تمام منابع بشری خویش را بسیج میسازند، تعداد زنان عمدتاً کمتر میباشد چون تعداد کمتری از زنان به کار گماشته شده اند.

تمام آگاهان با این موافق نبودند که کم رنگ بودن حضور زنان در میان تیم های بررسی نیازمندیها یک مانع بزرگ فراه راه شنیده شدن صدا های زنان میباشد. یکی از فعالین بشردوستانه پیشنهاد نمود که مردان بخصوص کارمندان مرد خارجی دسترسی بیشتری به زنان تحت حالات اضطراب دارند (برخلاف تنظیمات روند انکشافی)، و نیز اینکه قادر اند تا ضروریات عمومی را از قبیل دسترسی به اسکان، آب و غذا بیشتر مورد غور قرار دهند. اما در عین حال، آگاهی دهندگان کلیدی مذکور همچنان یادآور شد که زنان لازم نمیبینند تا تمام ضروریات خویش را با کارمندان مرد در میان بگذارند و از هر گونه گفتگو در رابطه با بهداشت قاعدگی، بهداشت باروری و محافظت ابا میوززند. علاوه براین، اعضای مرد خانواده حق صحبت با مرد بیگانه را به خانم های خویش نمیدهند بدون نظر داشت سابقه مسلکی و ملیت آنها.

آگاهی دهندگان کلیدی اینرا خاطر نشان ساختند که اگرچه جمع آوری ارقام از زنان و مردانیکه در محلات مشخص شده بیجا شده گان داخلی (با وجودیکه زنان از مردان جدا بودند) آسانتر بود ولی بطور معکوس جمع آوری ارقام در خانه های خویشاوندان بیجا شونندگان داخلی مشکل زا بود. طور مثال در شهر مزار شریف این پروسه وقت گیر و خیلی و مشکل بود. مشکل اساسی در ناحیه گماشتن کارمندان زن بود چون برای کارمندان زن کار پر چالش است تا به خانه های خویشاوندان بیجا شونندگان بروند و ارقام را جمع آوری نمایند.

چالش کلیدی ای که در خصوص انجام بررسی نیازمندیها توسط آگاهی دهندگان بیشمار برای ما بیان گردید عدم موجودیت ابزار مشترک و هماهنگ برای اجرا شدن ارزیابی از ضروریات بود و همچنان چالش های پی هم در قبایل جمع آوری اطلاعات به تفکیک جنس و سن بطور یکنواخت بود. بعضی از ارگان ها از ابزار ERM یا میکانیزم واکنش اضطرابی ECHO استفاده نموده بودند و بعضی دیگر از ابزار PMT یا ردیابی جنین نفوس UNHCR استفاده نموده و بعضی دیگر از ابزاری که برای ارگان های خویش ساخته بودند استفاده کرده اند. آگاهی دهندگان کلیدی که ابزار غیر مشترک را پیاده سازی کردند تاکید بیشتر براین داشتند که این لزوم دید تمویل کننده گان بوده. بهر حال، آنها محدودیت هایی را یادآور شدند که در جریان پیاده سازی ارزیابی ها، با فامیل های که از زیادی پرسش ها شکایت داشتند و همچنان خاطر نشان ساختند که مردم به این باور هستند که به تناسب سروی های بیشماری که در این راستا صورت گرفته بود توزیع کمک های خیلی نابسنده میباشد.

چندین تن از آگاهی دهندگان یاد آور شدند که حالا ابزار عمده شامل سوالاتی اند که مختص به جمع آوری معلومات تفکیک شده به اساس جنس و سن میباشد خصوصاً در رابطه به ترکیب سنی و جنس فامیل های متأثر. بهر حال، طیف وسیعی از کمبودی ها در روش و رویکرد های کاری هنوز هم موجود میباشد. بعضی از ابزار ردیابی و تشخیص ضروریات فامیل ها را به جای اشخاص ترجیح میدهد و بنابراین در قسمت جمع آوری معلومات به تفکیک جنس و سن محدود باقی میماند. بررسی نیازمندیها که به اهداف مشخص طراحی گردیده اند همواره برای اهداف دیگر استفاده میگردند و از همین لحاظ با روش و رویکردهای درست بنا نشده اند ( طور مثال، رویکردهای کاری که برای ارزیابی خانواده ها طراحی شده

اند به منظور مصاحبه ها با گروپ ها استفاده میگردند، یا ابزاری که برای ثبت نام بیجا شده گان داخلی طراحی گردیده اند برای بررسی نیازمندیها استفاده میگردند). با توجه به ارزش رویکردها و روش های کیفی در مراحل ابتدایی قبل از ارزیابی و بافت دادن آن با نتایج ارزیابی نیازهای کمی، این رویکردها و روش ها به ندرت قابل استفاده میشوند. در اخیر، اشتراک کننده گان ورکشاپ ها این را برجسته ساختند تا به شاخص های موثر نامساوات و ناعادلتی سنی و جنسیتی شناسایی و استفاده شوند. طور مثال، چه کسی در خانواده اول و آخر نان میخورد.

با وجود چالش های دوامدار در قسمت هماهنگی ارزیابی ها، تلاش ها برای هماهنگ ساختن فارم های ارزیابی به رهبری UNOCHA هم اکنون در حال انجام میباشد. با این حال، بعضی از موانع جنسیتی موجود میباشد که توسط هماهنگ سازی ابزار موثر به آن رسیدگی نمیگردد. این یک امر واضح است که توجه بیشتر برای جمع آوری معلومات به تفکیک جنس و سن باید با منابع بشری تکمیل گردند تا در قسمت ثبت، جمع آوری، تجزیه و تحلیل، گزارش دهی و مدیریت ارقام از دید جنسیتی کمک شایانی نماید. نیاز است تا ظرفیت های بیشتر تولید گردند تا در وصل نتایج نهایی این ارقام را با برنامه ریزی برنامه های بشردوستانه کمک نماید.

خلاها و چالش هایی که در این بخش تشخیص شده اند عمدتاً ارتباط به عدم موجودیت منابع بشری و مالی، ظرفیت، روش های کاری کامل، یا دسترسی به مردم آسیب پذیر میگیرند. بهر حال، مطالعه هدا بیان داشته است که بعضی چالش ها که به دید اشخاص و افرادی که در کار های بشر دوستانه مشغول اند ارتباط میگیرد منحصر به عدم ضروری دانستن جمع آوری، تجزیه و تحلیل معلومات به تفکیک جنس و سن میباشد. بعضی از مصاحبه های آگاهی دهندگان کلیدی فرضیه های دوامداری را که ضروریات تمام فامیل ها و اشخاص در جریان مواقع اضطراب مساوی میباشد را نیز بیان داشت (و بنابراین ارقام تفکیکی لزوماً نیاز نیست). مصاحبه ها با وجودیکه محدود بودند اینرا نمایان ساخت که دیدگاه هایی وجود دارد که دسترسی به زنان در جریان بررسی را الزامی نمیدانند زیرا بر این باورند که مردان نیاز های زنان خانواده را کاملاً قیق گزارش میدهند. اگر این ضروریات از نیازهای دیگر اعضای خانواده متفاوت باشد.

## توزیع کمک ها

مطالعات دفتری از ارزیابی ها اینرا نشان میدهد که در رابطه به ترکیب جنسیتی مستفید شونندگان کمک ها وضاحت خیلی اندک وجود دارد. بطور مثال، منابعی که پول، کارت های کمک، مواد غذایی و دیگر مواد بسته های لوازم را توزیع میکنند اینرا واضح نمیسازند که آیا زنان یا مردان این کمک ها را اخذ نمودند یا اینکه آیا فاکتور های دیگری از قبیل سن، ناتوانی، ترکیبب مختلف خانوادگی (زنان بیوه و یا زنان نان آور) مورد نظر گرفته شده اند و یا خیر. و یا همچنان اینکه آیا کدام استراتژی ای در قبایل توزیع بطور متساوی و متعادل مد نظر گرفته شده یا خیر. در دو بررسی از شکایات زنان، اطفال و اشخاص سالخورده در ارتباط به توزیع نامساوی کمک ها یاد آور شده است. بررسی ACTED از توزیعات لوازم غیر غذایی ای که توسط UNICEF در ولایت کندز صورت گرفته بود گزارش میدهد که این بررسی تجزیه و تحلیل کلی از مسئله ای که جنسیت با توزیع کمک ها ارتباط بسزایی دارد را بیان کرده است. طور مثال، بررسی بیان میدارد که: تیم های نظارتی مسئول جمع آوری ارقام اعم از زن و مرد بودند؛ کارمندان زن تقریباً در نیم روز های توزیع

حاضر میبوندند؛ و خطوط مجزا در دو بر سه حصه روز های توزیع برای مردان و زنان آماده شده بود تا از دسترسی زنان به محل توزیع اطمینان حاصل گردد. بهر حال، قابل ذکر است که بررسی توزیع کمک ها چندین ماه بعد از تهاجم کندز توسط ACTED انجام داده شد درست زمانیکه امنیت در شهر کندز برقرار بود، برخلاف بررسی های دیگری که در شرایط فوری تر و چالش بر انگیز انجام شد.

مصاحبه های آگهی دهندگان کلیدی نشان میدهد که بررسی از هماهنگی توزیع کمک ها بعد از تهاجم خیلی ها موثر بودند، چون به گفته ایشان تلاش های هماهنگ برای توزیع انواع مختلف کمک ها از قبیل اقلام غیر غذایی، لوازم زمستانی، لوازم بهداشتی و حفظ الصحة، و توزیع پول بی قید و شرط موثر ثابت شده است. علاوه بر این، چنین به نظر میرسد که ارگانهای بشردوستانه توجه هر چه بیشتر خویش را معطوف بر آورده ساختن ضروریات فامیل های آسیب پذیر از قبیل فامیل هایی که سرپرست (نان آور) آنان زن است، زنان بیوه، اطفال، کهن سالان، و یا هم ناتوانان نموده بودند و چنین ضروریات را در جریان توزیع کمک ها مد نظر گرفتند. با وجود این نیز، گمان می رود که توزیع کمک ها و اخذ آن عمدتاً توسط مردها بدلیل اینکه نان آور خانه هستند صورت میگیرد و کمک ها را از جانب خانواده خویش نیز دریافت میکنند. بعضی از آگاهی دهندگان خاطر نشان ساختند که مرد ها بطور طبیعی کمک ها را بطور مساویانه در خانه خویش به خرج میرسانند اگر چه شواهد محکم که این فرضیه شان را تقویه کند وجود ندارند. یک بررسی اخیر که توسط موسسه DACAAR انجام شده بود این فرضیه را زیر سوال قرار میدهد چون به تعداد بیشتر از نصف مردان بیجا شده که سروی شدند تمایل به این داشتند که پول نقد دریافت کنند برخلاف زنانی که سروی شدند و درخواست ایشان کمک های غیر پولی بود. بررسی برخی از خطرات بالقوه به زنان و کودکان را نمایان ساخت. اساسی ترین نگرانی در این عرصه این است که مردانی که به مواد مخدر معتاد اند این پول را حیف میل نساژند. و عده دیگری بیان داشتند که ممکن مردان از ضروریات خریداری زنان آگاه نباشند با وجودیکه نیت ایشان در توزیع و به خرج رساندن مؤثر پول در خانواده است مثلاً عدم خریداری لوازم بهداشتی قاعدگی زنانه توسط پول بواسطه مردان. یکی دیگر از آگاهی دهندگان بیان کرد که ممکن مردان این لوازم را بجای توزیع آنها به اعضای اناث خانواده حتی به فروش برسانند خصوصاً اگر نیاز های دیگر خانوادگی را در اولویت قرار دهند.

با وجود هماهنگی واضح در ناحیه توزیع کمک ها و توجه بیشتر به فامیل های آسیب پذیر، بعضی از آگهی دهندگان کلیدی از توزیع نامساوی بعضی از اقلام کمک ها خبر دادند بطور مثال کمپل ها، که به کسانی داده میشد که که زودتر میرسیدند. میرسیدند آگهی دهندگان کلیدی در مزار شریف اصرار به این ورزیدند که روند توزیعات در کمپ حاجی بطور عموم فی مابین ارگان های بشردوستانه بطور مؤثر تر هماهنگی گردیده بود. اما گزارش های دیگر از این حاکی بود که اشخاص پولدار و تاجرین در هنگام توزیع کمک های خویش با ارگانهای مربوطه هماهنگی نداشتند تا به بیجا شونندگان به طور مساوی کمک صورت گیرد و در بعضی موارد مواد خوراکی کافی هم توزیع نکردند. ایشان خصوصاً با سازمان بین المللی غذا یا WFP و ارگانهای دیگر طوریکه مطابق به نیازمندی های فامیل های آسیب پذیر برنامه ریزی گردد همکاری و هماهنگی نکردند. بنا بر چشم دید یکی از آگهی دهندگان کلیدی، این امر باعث رسیدن غیر مساوی کمک ها شد قسمیکه مردان به عجله به نقطه توزیع کمک میرفتند و زنان و کودکان عمدتاً نا وقت آنجا میرسیدند درست زمانیکه کمک ها ختم گردیده بود. یکی از آگهی دهندگان کلیدی در شهر

مزار شریف خاطر نشان ساخت که این روند نامساوی توزیع تنها به نفع مردان نبود. این شخص مصاحبه شونده از اهمیت قدرت میان گروه های زن بیان میدارد که زنانی که مقام بلند اجتماعی و توانایی درآمد بیشتر را داشتند بعضی اوقات کمک های بیشتری را نظر به زنانی که از وضعیت مالی خوبی برخوردار نبودند و آسیب پذیر بودند خبر میدهد. این چنین طرز دید برای مردان نیز قابل تطبیق است.

قسمیکه در فوق ذکر گردید، در حالیکه تطبیق بررسی نیازمندیها برای بیجا شندگان که در یک محل مشخص قرار داشتند بیشتر مؤثر بود (طور مثال کمپ حاجی در شهر مزار شریف، شرکت یا بیش باتور در تالفان) بررسی نیازمندیها بیجا شنگانی که بطور پراکنده زندگی میکنند مشکل تر ثابت گردید. همچنان در حالیکه توزیع کمک ها در محلات مشخص بیجا شونندگان داخلی بیشتر به آسانی قابل کنترل بوده است و بیشتر متمرکز بالای فامیل های آسیب پذیر (از قبیل فامیل های که زنان شان نان آور خانه است) بوده است، توزیع کمک ها برای بیجا شونندگان پراکنده در یک محل مرکزی صورت گرفت (طور مثال دفتر DoRR). این در توانایی زنان در قسمت اخذ کمک ها بطور مستقیم اندکی چالش را بوده است که توام با گزارش ها در رابطه با شریک نساختن معلومات کافی برای زنان بخاطر ثبت نام برای اخذ کمک ها و طرز رسیدن به محلات توزیع، بوده است.

یکی از مشاهدات که توسط تعدادی از آگهی دهندگان کلیدی که در مزار و تخار مشغول کار بودند اظهار گردیده است این بود که با در نظر داشت چالش های که پروسه هماهنگی بررسی نیازمندیها را کند تر ساخته و توزیعات کمک ها را بطی تر ساخته و همچنان اینکه برای یک مدت کم بیجا شونندگان در محلات اضطراری جا داده شده بودند (در حدود دو الی سه هفته) و همچنان بعد از اینکه نگرانی های خاص و ضروریات شناسایی شدند و خدمات آماده این بود که بهتر شود، فرصت های خیلی اندکی آنزمان برای کمک نمودن بیجا شندگان داخلی وجود داشت چون آنها محل را ترک نموده بودند. یکی از این آگاهی دهندگان بیان داشت که تأخیر در بررسی ضروریات ها و توزیع کمک های بشردوستانه از اثر تطبیق ضعیف پلان های واکنش سریع و ممکن از اثر تمرکز نامساوی بخاطر تثبیت حالت واقعی بیجا شونندگان داخلی صورت گرفته است، که این امر باعث بطی شدن کمک ها به افراد آسیب پذیر گردید و اصول اساسی کمک های بشردوستانه را زیر سوال برد. به عباره دیگر « تمویل کنندگان از ناحیه جواگویی و مسؤلیت پذیری منابع مالی کمک های بشردوستانه اظهار نگرانی کردند چون این کمک ها به اشخاص آسیب پذیر نمیرسید. کمک ها به هدف میرسید اما زمانیکه همگی آنجا را ترک گفته بودند».

با در نظر داشت فطرت سریع بیجا شنگی و بازگشت سریع بیجا شونندگان داخلی به کندز (اکثر اوقات قبل از اینکه کمک های توزیع گردد)، یک تعداد آگهی دهندگان کلیدی بسنده بودن خدمات پیگیری بعد از اضطرار را مورد سوال قرار دادند تا نیازمندیهای دراز مدت بیجا شونندگان داخلی را مشخص سازند، بخصوص آنانیکه از گروه های آسیب پذیر هستند مانند زنان بیوه، فامیل هایی که سرپرست شان زن است، اطفال، بزرگسالان و معلولین. مدیریت بعد از توزیع کمک ها قرار گزارشات خیلی ضعیف و یا هم هیچ وجود نداشت، چون معلومات خیلی اندک در رابطه به کفایت کمک ها (بخصوص انتقال پول نقد) در عرصه کمک نمودن به جابجا سازی مجدد بیجا شندگان داخلی آسیب پذیر در کندز و یا بیجا شندگان آسیب پذیر به بیجا شنگی دراز مدت تر وجود داشت.

## حفاظت و خشونت مبتنی بر جنسیت

مهارت های مشخص رسیدگی به خشونت مبنی بر جنسیت و یا محافظت نبودند تا قضایای جدی را به ارگان های مربوطه راجع سازد.

یک تن از آگهی دهنده گان کلیدی بیان نمود که تهاجم کندز تأثیر بزرگی بالای توانائی فعالیت ارگان های زنان خواهد داشت بنابر هراس زنان از اینکه مورد پیگرد و هدف قرار خواهند گرفت در نتیجه کاری که انجام میدهند و دادخواهی برای آنها نیز خیلی محدود گردیده است چون فعالیت های دادخواهی برای زنان بنابر نیازمندی در خفاء قرار دادن فعالیت ها در این عرصه خیلی محدود بوده است. این نگرانی ها حتی قبل از تهاجم نیز موجود بوده است و با گزارشات در رابطه به اینکه قوای مسلح زنان را هشدار میدهند و همچنان حمایت و حفاظت برای زنان از جانب NGO های بین المللی، دولت و ارگان های دیگر وجود ندارد همراه بوده است. تهاجم کندز در سال ۲۰۱۵ به کاهش یافتن تعداد ارگانهای جامعه مدنی زنانه انجامیده است و حتی باعث ازین شده است تا کارمندان محلی زنانه از گزارش دهی در رابطه با خشونت جنسیتی ابا ورزند. این نگرانی ها جدی بوده که می تواند مداخلات بشر دوستانه را در آینده بخطر مواجه سازد در صورتیکه چنین تهاجمی دوباره صورت گیرد. علاوه برین، یک نوع برداشتی میان ارگانهای جامعه مدنی زنان وجود دارد که گویا ارگانهای بین المللی با وجودیکه توانایی ایشان در رسیدن به جوامع محلی را میدانند ولی ایشان را در دوران پس از تهاجم بطور کافی حمایت ننموده و با ایشان سر و کار ندارند. این برداشت توأم با انتقاداتی روبرو شده است چون با وجودیکه ارگانهای جامعه مدنی زنان طوری شناخته شده اند که تلاش های بیشتری در راستای امورات خویش به خرج میدهند ولی ارگانهای بشر دوستانه با ایشان پیمان همکاری را چه از ناحیه تخصص خویش و یا همکاری برای ترقی ظرفیت ایشان انجام نمیدهند.

گزارشات از خشونت مبتنی بر جنسیت در میان بیجاشندگان داخلی که به ولایات دیگر رفته اند نیز محدود بوده و تنها در چند گزارش بررسی تطبیق شده ذکر شده اند ممکن به دلیل محدودیت در جمع آوری ارقام در خصوص زنان و عدم موجودیت میکانیسم گزارش دهی. یک گزارش اجرا شده در تخار واکنش خشونت مبتنی بر جنسیت منحصی یک ضرورت فوری عنوان کرده و همچنان ایمنی زنان و کودکان را در خصوص دسترسی به خدمات بهداشتی و آب و امنیت محل بیجاشندگان داخلی شناسائی نموده است. مصاحبه های آگهی دهندگان کلیدی اینرا واضح ساختند که در یکی از محلات بیجاشندگان داخلی در تخار، زنان و کودکان توسط گروه های مختلف مورد تهدید قرار گرفته بودند به شمول ملیشیای محلی یا اربکی هایی که در کمپ ها بخاطر تأمین امنیت گماشته شده بودند. در این مورد، پس از معلوم شدن اینکه اربکی ها زنان و دختران را مورد خشونت قرار میدادند فوراً مسوولیت امنیت کمپ به خود بیجاشندگان داخلی سپرده شد. داستان های دیگری که از نگرانی ها در عرصه حفاظت حرف میزند نیز پدیدار آمدند از قبیل تلاشی و گزرمه خیمه های بیجاشندگان توسط ماموران امنیتی و پولیس، لت و کوب زنان و اطفال توسر بصورت اندک مورد خشونت قرار میگرفتند و حتی زنانی که مرد خانه نداشتند با اطفال ایشان مورد ضرب و ستم بیجا شونندگان مرد، تیم های مدیریتی و حفاظتی کمپ ها قرار میگرفتند.

به نظر میرسد که چالش های دیگری نیز در قسمت شناسایی دقیق و ارجاع موارد خشونت مبتنی بر جنسیت در میان بیجاشندگان داخلی وجود داشته است. یکی از مشکلات کلیدی ارتباط میگیرد به هماهنگی کمک های بشر دوستانه، خصوصاً بنابر غیرمنتظره بودن تهاجم و عدم

بر اساس گزارشهای منتشر شده توسط رسانه ها، دفتر ریاست جمهوری افغانستان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، خشونت مبتنی بر جنسیت در کندز بطور گسترده در این مدت وجود داشته است. اما به اساس تحقیقات مابعد توسط UNAMA و OHCHR چنین پیدا شد که درین گزارش ها مبالغه صورت گرفته بود. اما UNAMA و OHCHR گزارشهایی را در رابطه به محدودیت ها بالای زنان بدست آورده بودند که خاطره های سالهای حکمرانی طالبان را تازه میکرد به شمول اینکه اگر یک زن با محرم خویش بیرون نرود باید لت و کوب گردد. همین گزارش ها راوی قصه های دیگری در مورد طالبان نیز بودند بطور مثال طالبان با امداد رسانان صحنی و بیماران در شفاخانه ها بطور نورمال برخورد میکردند، حتی بعضی گزارش ها میسراندند که طالبان برای کسان دیگر حق نمیدادند تا در حق و حریم زنان دست درازی کنند و در حصه اربیه مراقبت های پزشکی نیز بطور خنثی عمل میکردند. اما گزارش های دیگر نشان میدهد که طالبان کارکنان صحنی زنانه را مورد سوء استفاده فزیک و لفظی قرار دادند.

با وجودیکه ادعا های اخیر در رابطه به مبالغه آمیز بودن گزارش های خشونت مبتنی بر جنسیت از کندز، ارزیابی های بررسی شده درین مطالعه، علاوه بر مصاحبه های آگهی دهندگان کلیدی، بعضی از بیجاشونندگان زن شاهد واقعات تجاوز جنسی و غیره اشکال خشونت علیه زنان، دختران و پسران در کندز بودند یا درباره اینگونه واقعات شنیده بودند. تعداد بیشماری از آگهی دهندگان زن این را بیان کردند که با زنان دیگر که ایشان بطور غیر رسمی از بعضی واقعاتی که از نام بازماندگان آن ایشان خود داری میکردند صحبت نموده بودند اما حاضر به تهیه نمودن گزارش رسمی در این عرصه نبودند چون خطر نقض حریم خصوصی و محرمانه زنان دیگر وجود داشت.

در قسمت تأیید شیوع خشونت در کندز پیشرفت رسمی بطور اندک شده است اگر چه بعضی از ارگان ها به تازگی آغاز به انجام تحقیق روی این موضوع کرده اند. یکتعداد دلایل احتمالی در رابطه به اینکه چرا تثبیت اتهامات خشونت مبنی بر جنسیت در کندز خیلی دشوار میباشد وجود دارد. یکی از دلایل کلیدی آن سری بودن و شرم ناشی از خشونت مبنی بر جنسیت میباشد که باعث میشود انچنین خشونت های جنسیتی گزارش داده نشوند. یکی دیگر از چالش های کلیدی برای تأیید خشونت، همانا موجودیت خلاء در خشونت جنسیتی است یا خدمات پشتیبانی زنان در جریان واکنش است. به عباره دیگر کارمندان داخلی و خارجی، و دولتی به شمول ریاست امورات زنان در شهر کندز به دلیل نا امنی تخلیه میگردد. این خروج دسته جمعی حتی با تشدید بیشتر نیز مواجه میشود قسمیکه زنانیکه در NGO ها و ارگانهای جامعه مدنی ایفای وظیفه میمانند مورد تهدید قرار میگیرند و دفاتر ایشان ویران گردیده و بغارت برده میشود، و حتی محلاتی که زنان در آن نگهداری میشوند به آتش کشیده میشود.<sup>2</sup> این معلوم میسازد که اصلاً ظرفیتی موجود نمیباشد تا با گزارش های خشونت جنسیتی دست و پنجه نرم کند. علاوه برین، تیم های اضطرار اولیه که به کندز بر میگرددند قرار گزارشات دارای

2 یکی از آگهی دهندگان کلیدی گزارش میدهد که اگر چه رسانه ها تعرض بالای ارگانهای زنان، ویرانی منابع و زیربنای سازمانی تنها به این ارگانها ارتباط نمیگرفت بلکه تأثیر آن بالای تمام NGO ها همگانی بود.

## توجه بر سکتر های دیگر

قسمیکه خشونت مبتنی بر جنسیت در جریان بحران به یک مسئله ثانوی مبدل می‌گردد. گفتمان دیگری که از لابلای مصاحبه های آگهی دهندگان کلیدی پیدا گردید این است که در ممالک اسلامی و خصوصاً افغانستان کنترل شدید مصرف الکل و جدا سازی جنسیتی به عنوان یک عامل بازدارنده طبیعی نسبت به خشونت مبتنی بر جنسیت عمل میکند و فرصت های ارتکاب خشونت را محدود میسازد. این گفتمان نشان میدهد که عدم توجه دقیق به خطرات ناشی از خشونت خانوادگی، و اینکه چگونه فضای تنگ محلات بود و باش بیجا شوندها تأثیر بالقوه بالای بلند بردن خشونت های مبتنی بر جنسیت دارد که توام با واقعیت نسبتاً بلند خشونت جنسیتی موجوده در زمان های غیراضطرار میباشد. علاوه بر این، یکی از شرکت کنندگان ورکشاپ مثالی را یاد آور شده است که مصرف الکل و مواد مخدر در افغانستان خصوصاً در قسمت های شمال و شمال شرق به کثرت دیده میشود.

مورد جالب اینکه، بعضی از ارگان ها در حال تجدید نظر اند تا اینکه بتوانند بطور موثرتر دسترسی به زنان، گزارش های خشونت مبتنی بر جنسیت و میکانیزم ارجاع و گزارشدهی را در شرایط اضطرار به پیش ببرند. طور مثال، IMC با گروه پژوهشگران بین المللی هم اکنون روی انکشاف و تطبیق خدمات تلفونی به بیجا شوندها زن کار میکند تا ایشان بتوانند واقعات خشونت جنسیتی و ضروریات روانی زنان را گزارش دهند. ارگان های دیگر روی این تمرکز میکنند تا چگونه پروژه های توانمندی زنان از قبیل انکشاف معیشت و فعالیت های توام با امرار معاش میتواند جهنگی و ارتجاعیت زنان را ساخته تا باشد که از خشونت های مبتنی بر جنسیت و آسیب پذیری های دیگر در جریان اضطرار که در آن زنان در معرض خطر میباشند جلوگیری گردد.

یکی دیگر از مثال های قابل توجه که در رابطه با حفاظت در لابلای مصاحبه با یکی از آگهی دهندگان کلیدی بیان شده به حفاظت ارتباط میگیرد. طور مثال، موسسه حفاظت از اطفال بعد از اینکه تیم های عملیاتی ارگانهای بشر دوستانه دوباره شروع به کار نمودند سریعاً یک برنامه ای را تحت عنوان فضاهای دوستانه برای کودکان یا CFSS جهت ارائه خدمات حمایت روانی و اجتماعی برای اطفال بیجا شده گان در شهر مزار شریف و تالقان و کندز تطبیق نمود. این برنامه ها کودکان و فامیل های ایشان را با وجودیکه دختران از پسران جدا بودند وادار به سرگرمی های تفریحی و آموزش ابتدایی توسط اساتید زنانه برای دختران و اساتید مردانه برای پسر ها بود، ساخت.

اگر چه تهاجم کندز باعث این شد تا بسیاری از ارگان های بشر دوستانه در راستای فعالیت های خویش در عرصه محافظت تجدید نظر نموده و خدمات حمایتی خویش را بهبود بخشند، این تهاجم به تفکر بیشتر استراتژیک در عرصه هماهنگی امورات خشونت مبتنی بر جنسیت نیز انجامیده است. طور مثال، کلستر فرعی خشونت مبتنی بر جنسیت در حال انکشاف یک پلان کاری بوده و همچنان در صدد آموزش کارمندان منظوقی خویش میباشد. علاوه بر این، بحث ها در مورد تاسیس گروه های محافظتی حداقل در سطح ولایت به اساس گزارش ها شروع شده اگر چه این بحث ها اکنون خاموش اند چون کلستر محافظتی ملی سعی دارد تا پلان عملیاتی ملی را برای این ابتکار انکشاف دهد.

درین ارزیابی ها در رابطه با ارایه خدمات بهداشتی خصوصاً بین نیاز های عمومی بهداشتی و نیاز های بهداشتی خصوصی جنسیتی همیشه تقاضل بیان نگردیده بود اگر چه دو گزارش به نگرانی در مورد زنان شیرده و باردار و اینکه چگونه ایشان به خدمات صحتی دسترسی پیدا کنند پرداخته بود. یکی از گزارش های ارزیابی خاطر نشان میسازد که فامیل ها بطور دوماًر شکایت از نبود منابع صحتی را که نیازمندی های زنان و اطفال را برآورده سازد داشتند اما واضح نبود که چه کسی این



Vijay Raghavan/Concern Worldwide

## دروس آموخته شده در مرحله بعد از اضطراب

حقیقتی که تهاجم‌کنندگان بطور غیرمنتظره بود و عدم موجودیت آمادگی کلی سازمانی برای پاسخ‌گویی در حصهء بجاشندگان به مقیاس بزرگی که متعاقباً صورت گرفت، به طور گسترده ای پذیرفته شده است. در نتیجه، به نظر میرسد که تهاجم‌کنندگان تجدید نظر را در قبال اینکه چگونه بهبود هماهنگی و پلان‌گذاری قبل از مواقع اضطراب میتواند واکنش خوبتر و به موقع را در مواقع اضطراب در آینده داشته باشد، برانگیخته است، خصوصاً مواقعی که برخاسته از جنگ باشد. باین حال، برخی از نگرانی‌ها حاکی از آنند که عملی که سبب ترغیب آموزش از دید وسیع‌تر جندر به اندازه کافی شده باشد انجام نشده است. طور مثال، از عدم ممیزی پس از اضطراب یا بررسی پس از عمل (AARS) که بتواند اثربخشی واکنش اضطرابی را اندازه‌گیری کند و اینرا که ارگانها و سازمانهای بشر دوستانه به چه اندازه پایبند به اصول اساسی بشر دوستانه و حد اقل استاندارد های SPHERE بوده، خصوصاً در ارتباط به حفاظت و خشونت مبتنی بر جنسیت، انتقاد شده است. تعدادی از آگهی دهندگان کلیدی اینرا نیز مورد باز جویی قرار دادند اینرا که ارگانها و سازمان های بشر دوستانه به چه اندازه ای واکنش و پاسخ خویش را و همچنان هماهنگی را از دید جندر مشخص کردند، و اگر نکردند، کدام چالش های سد راه این کار ایشان شد و چگونه در مواقع اضطراب در آینده به این چالشها رسیده صورت گیرد.

معلومات را داده است (و کی از «فامیل» نمایندگی میکرد) و آیا این مسئله با زنان تحت پی گرد قرار گرفت یا خیر. تعداد بیشتر آگهی دهندگان از عدم موجودیت حمایت در ارتباط به آسیب های روحی روانی و حمایت روانی اجتماعی بودند خصوصاً برای مردان و زنان، اگر چه خدمات مربوط به اطفال ذریعه برنامه فضایی دوستانه برای اطفال بطور سریع انجام شده بود.

کمبود منابع بهداشتی نیز در تعداد اندکی از گزارش ها تذکر گردیده بود، با اشاره به نیازهای عمومی (صابون، کریم دندان)، اما با اشاره کمتر به ضروریات بهداشتی زنان و اینکه آیا به این مشکلات رسیدگی شده بود یا خیر. یکی از گزارش ها اینرا که زنان بیجا شده از توزیع ناکافی لوازم حفصه الصحه زنانه شکایت کرده بودند را توضیح کرده بود. مصاحبه های بعدی نشان میدهد که به این مورد بعداً توجه صورت گرفته است. ارزیابی سریع از مارکیت که در شهر فیض آباد بدخشان صورت گرفته بود نشان دهنده عدم توجه به دستمال های بهداشتی زنان و لوازم دیگری در بسته اختصاصی بهداشتی زنان میباشد بود (طور مثال: زیرپوش زنانه).

در محلات و کمپ های بیجا شونندگان، گزارش های ارزیابی اشاره به تطبیق کمیته های مدیریت کمپ نمودند ولی جزئیات بیشتر در مورد ترکیب اعضا و یا اینکه آیا زنان برای اشتراک درین کمیته بسیج شده بودند (و اگر نشده بودند، کدام موانع سبب شدند و چه باعث دوری این موانع میگردد). یکی از گزارش ها از ناعدالتی در هنگام توزیع (خصوصاً برای زنان بیوه و اطفال) خبر داد که بنا بر عدم موجودیت مدیریت درست در کمپ بود. مصاحبه ها با آگهی دهندگان کلیدی نیز درین مورد بازتاب بیشتری از خود نشان ندادند، طور مثال بعضی ایشان ترکیب جنسیتی این کمیته ها را نتوانستند بیان دارند و بعضی دیگر اشتراک زنان را در هماهنگی و مدیریت ملاقات ها. بهر حال، از اینکه اشتراک به چه اندازه ای مؤثر بوده و چه مقدار زنان نتوانستند به تصمیم گیری نایل گردند خبر کافی وجود ندارد.

# نتیجه گیری

محافظوی آموزش دیده و یا مشاورین جندر همیشه برای سهم گرفتن در ارزیابی های سریع نیاز مندیها موجود نخواهند بود.

بر علاوه نشانه های اینکه توجه بیشتر به سیستم توزیع مستقیم کمک ها به گروه های آسیب پذیر معطوف گردیده است، توزیع وسیع تر کمک ها اکثراً با توزیع مستقیم آن به مردان بصورت معمول صورت میگیرد. باور های متفاوت در رابطه به اینکه آیا مردان بصورت مساویانه کمک ها را با دیگر اعضای خانواده توزیع مینمایند وجود دارد؛ اما یکعده شواهد وجود دارد که نشان میدهد که اصل قضیه چنان خواهد باشد بخصوص در عرصه انتقالات یا کمک های نقدی.

با وجود یکعده مثال ها از عملکرد های خوب، یکعده فعالین اداری طوری به نظر میرسند که این را درست درک نکرده اند که جندر با سکتر های غیر محافظوی مانند خانه های امن و واش دارای وجه مشترک میباشد. این ممکن قسماً بنابر عدم دسترسی به رهنمود ها و منابع جهانی در عرصه ترویج جندر در واکنش های بشردوستانه و نبود منابع ترجمه شده لازم برای کارمندان ساحوی باشد.

یکتعداد بحث های دوامدار و فرضیه های (غیر معتبر) در این مدت ظهور نمود که مشتمل بر موارد ذیل میباشد: تمام افراد در شرایط اضطراری مساوی میباشد؛ در صورتیکه نیازمندیهای ویژه زنان خانواده از نیازمندیهای عمومی خانواده متفاوت باشد، مردان حاصل کننده کمک آنرا بصورت درست ابلاغ خواهند نمودند؛ مردان کمک ها را بصورت منصفانه به اعضای دیگر خانواده توزیع خواهند نمود؛ و خشونت مبتنی بر جنسیت یک مشکل قابل ملاحظه تحت حالات اضطراری در افغانستان نمیشود چون رسوم و عادات اسلامی مردان و زنان را از هم جدا نگهبارد و استفاده مشروبات الکولی را ممنوع قرار میدهد (استفاده از مشروبات الکولی یک استراتژی منفی برای کنار آمدن با مشکلات ناشی از حالات اضطرار میباشد و معروف به تشدید خشونت مبتنی بر جنسیت در بعضی از شرایط فرهنگی میباشد).

این مطالعه یک سلسله موفقیت ها، چالش ها و خلا های مزمن را در عرصه رسیدگی کردن به موضوعات جندر در واکنش های بشردوستانه در عرصه حملات کندز شناسائی نموده است. بصورت کل یک چالش کلیدی در عرصه این واکنش ها فطرت غیر مترقبه حالت اضطرار و نبود ظرفیت لازم برای کمک های بشردوستانه در پی آن برای مداخلت های سریع و مؤثر میباشد. تاثیرات این چالش با توجه به وضعیت های مختلف هر یک از ولایات متأثر متفاوت بوده است.

این مطالعه پیشنهاد میکند که یکعده از خلا ها در عرصه جندر رو به رکود به نظر میرسد و به بعضی از چالش ها بصورت سریع و مؤثر رسیدگی صورت گرفته است. از جمله موفقیت های قابل ملاحظه میتوان از کشف زود این پدیده نامبرد که نگرانی های WASH (آب، بهداشت، بیت الخلاء) و سرپناه ها با خطرات احتمالی محافظت در بعضی از ساحات بیجاشدگان داخلی دارای وجه مشترک بودند که این مسئله به توزیع بهتر کمک ها در ساحات بیجاشدگان داخلی انجامید (بطور مثال، فراهم آوری خیمه های بیشتر و توزیع چراغ های خورشیدی برای استفاده در هنگام شب) تا به گروه های بیشتر آسیب پذیر بخصوص زنان و اطفال کمک نموده باشد. یکی از فکتور های کلیدی که به شناسائی موفقانه این خطرات احتمالی انجامیده است جمع آوری اطلاعات بررسی نیازمندیهای قبلی بشمول اطلاعات کیفی و همچنان تطبیق میتوهای مشارکتی برای تسهیل واکنش های بیشتر آنی در قبال نیازمندیهای بشردوستانه میباشد.

یک تعداد رویکرد های بهتر برای مداخلت در نتیجه واکنش های بشردوستانه شناسائی گردید که مشتمل بر شواهد میباشد که این رویکرد ها به آموزش بیشتر و بهبود یافتن کیفیت خدمات انجامیده است. مثال های همچو رویکرد ها مشتمل بر فضا های مناسب برای اطفال درست شده توسط ادار محافظت از اطفال و خدمات سیار IMC برای رسیدگی کردن به زنان آسیب پذیر که در معرض خطر احتمالی خشونت مبتنی بر جنسیت قرار دارند و نیازمند حمایت های روانی-اجتماعی هستند. بر علاوه اینهمه بعضی از ادارات برنامه های انکشافی را تطبیق میکنند که هدف آن تقویت اقتصادی و سایر تقویت های دیگر زنان میباشد تا مقاومت آنها برای حالات اضطراری بلند برده شود و فکتور های محافظوی برای آنها در همچو حالات افزایش یابد.

بر علاوه یکعده موفقیت ها در عرصه مدغم ساختن جندر در واکنش های بشردوستانه، یکتعداد خلا ها و چالش های موجود نیز شناسائی گردید. اگر چه پروسه جمع آوری اطلاعات به تفکیک جنس و سن رو به بهبود میباشد، خلا های بزرگ در عرصه اینکه این اطلاعات چطور و آیا گزارش داده میشوند وجود دارد. این قسماً بنابر کمبود منابع بشری و مالی و ظرفیت های لازم برای تلفیق، تحلیل و گزارش دهی اطلاعات میباشد.

کمبود کارمندان بشردوستانه اناث برای تطبیق ارزیابی نیازمندیها و توزیع کمک ها هنوز یک چالش بزرگ میباشد بخصوص در مناطق نا امن. اگر چه این وضعیت قسماً بنابر رسوم و عنعنات سنتی حاکم میباشد که آزادی حرکت زنان را محدود میسازد، در عین حال علت دیگر آن فرصت های کاریابی کمتر برای زنان در ادارات بشردوستانه در مقایسه با مردان، که به قلت کارمندان اناثیه آموزش دیده و با ظرفیت و آماده کار انجامیده است، میباشد. بر علاوه اینهمه، منابع بشری محدود به این معنی است که همکاران

## توصیه ها

فعالین بشردوستانه باید زنان را منحیث حاصل کننده گان کمک قرار دهند بجای اینکه کمک ها را بصورت آتی به مردان توزیع نمایند. نیاز به جمع آوری شواهد بیشتر نسبت به تاثیرات بالقوه مثبت و یا منفی توزیع مستقیم کمک ها به زنان میباشد بشمول اینکه آیا انتقالات پولی به زنان خشونت مبتنی بر جنسیت را کاهش و یا افزایش میبخشد و اینکه آنها برای تقویت اقتصادی زنان و تصمیم گیری آنها در خانواده چقدر مؤثر میباشد. ادارات بشردوستانه نیز باید تضمین نمایند که محلات توزیع کمک ها بصورت کافی طوری تنظیم گردیده باشد که زنان را قادر به اشتراک در آنجا بسازد بشمول تضمین از تنظیم نمودن قطار های جداگانه برای مردان و زنان.



Vijay Raghavan/Concern Worldwide

موقعیت محلات توزیع نیز باید با در نظر داشت نیازمندیها و محدودیت های گروه های آسیب پذیر (مانند، زنان، اطفال، افراد مُسن، معیوب) طراحی گردد.

سعی و تلاش های بیشتر بالای به پلانگذاری قبل از حالت اضطرار معطوف گردد، بشمول تحلیل ها از وضعیت و پلان گذاری برای محلات مانند کندز که بیشتر در معرض خطر قرار دارند. همچو پلانگذاری های قبلی باید شامل انکشاف بخشیدن شبکه های همکار آماده باش آموزش دیده در عرصه جمع آوری اطلاعات بررسی نیازمندیها و مسائل جندر و محافظت باشد. ادارات جامعه مدنی محلی زنان و ریاست های امور زنان نباید از سعی و تلاش های پلان گذاری این شبکه ها مستثنی قرار داده شوند و باید منحیث افراد ارتباطی محافظوی بالقوه شناسایی و در این نقش مورد حمایت قرار بگیرند.

ادارات بشردوستانه نیاز دارند تا توجه بیشتر به مدیریت وقایع بعد از اضطرار معطوف بدارند، بشمول اینکه جندر چطور در مراحل مختلف حالات اضطرار مدغم گردیده است و تضمین نمودن اینکه پیگیری های بعد از توزیع کمک ها بیجا شدگان داخلی را ردیابی نماید و به نیازمندیهای درازمدت گروه های آسیب پذیر پاسخگو باشد. یکی از اشتراک کننده گان ورکشاپ مؤثر بودن استفاده از یک رویکرد مبتنی بر سیستم ها را نسبت به دیزاین برنامه خاطر نشان ساخت که میتواند بررسی نماید که سیستم های مختلف چطور میتواند اهداف پاسخگو به جندر را در سراسر مراحل مختلف حالت اضطرار به پیش گیرد و یا هم آنها را بطی سازد.

خلا ها و چالش های خاطر نشان شده در این گزارش نشان میدهد که در رابطه به اینکه چطور میتوان برنامه سازی پاسخگو به جندر را تحت حالات اضطراری بهبود بخشید مطالعات بیشتر باید صورت بگیرد. تقیث های بعد از اضطرار بشمول تحلیل اینکه جندر چطور در واکنش ها شامل ساخته شده بود باید منحیث یک عملکرد معیاری برای تمام حالات اضطرار ناشی از اختلاف و فاجعه تطبیق گردد. بنابر کمبود منابع بشری و مالی در ادارات بشردوستانه برای تطبیق همچو بررسی ها، تلاش ها باید برای هماهنگ سازی تقیث های بعد از اضطرار در

در روشنی یافته های که در این گزارش خاطر نشان گردیده است، سفارشات کلیدی ذیل پیشنهاد میگردد.

سعی و تلاش های فعلی برای بهبود بخشیدن وضعیت هماهنگی ابزار ارزیابی نیازمندیها در جریان قرار دارد اما به یکتعداد از خلاء ها در این راستا باید رسیدگی صورت بگیرد. منابع بشری و مالی بیشتر باید به جمع آوری، تحلیل و گزارش دهی اطلاعات به تفکیک سن و جنس تخصیص داده شود و تضمین گردد تا میتودولوژی های درست به شمول میتودهای کیفی برای اهداف درست مورد استفاده قرار داده شود.

ظرفیت بیشتر باید در عرصه تحلیل و تفسیر اطلاعات به تفکیک سن و جنس از نقطه نظر جندر ایجاد گردد. راه های بالقوه دست یافتن به این هدف تضمین این میباشد که یک شخص ارتباطی جندر در هر یکی از کلستر ها وجود داشته باشد و تیم های ولایتی باید تأسیس گردد که مسوولیت تحلیل نمودن اطلاعات ارزیابی نیازمندیها را از نقطه نظر جندر به عهده داشته باشد (تیم های ولایتی بطور مثال باید مشتمل بر یک اداره رهبری کننده پیشتاز و یک اداره همراهی کننده در عرصه رهبری با آن اداره باشد) نیروی کاری جندر در عرصه فعالیت های بشردوستانه میتواند که در عرصه ساختن ظرفیت های این تیم های ولایتی سهم بگیرد.

با در نظر داشت قلت کارمندان اناث در تعداد زیادی از ادارات بشردوستانه و چالش های بعدی در عرصه بسیج ساختن کارمندان آموزش دیده اناثیه تحت حالات اضطراری، توجه بیشتر باید برای تضمین این معطوف گردد که پالیسی ها در عرصه منابع بشری فرصت های ظرفیت سازی را برای کارمندان اناث شناسایی و از آن حمایت مینماید. ادارات بشردوستانه همچنان باید بالای تطبیق نمودن عملکرد ها و پالیسی های ساحوی پاسخگو به جندر مانند استخدام تیم های که مشتمل بر زوج ها باشد و یا استخدام اعضای فامیل برای تسهیل دسترسی بهتر زنان به ساحه و یا تضمین اینکه پالیسی محرم در ادارات مربوطه آنها نافذ باشد.<sup>3</sup>

3 محرم به اعضای مردانه فامیل اطلاق میگردد که اکثر اوقات مجبور به همراهی نمودن زنان حین سفر و یا خارج شدن از خانه میباشد.

سراسر ادارات و سازمان ها و ظرفیت های لازم برای انجام آن باید انکشاف داده شود.

اگرچه پلانگذاری برای واکنش های بشردوستانه حساس از لحاظ جندر در قبال بیجاشدگی های ناشی از اختلاف و فاجعه از اهمیت خیلی حیاتی برخوردار میباشد، سعی و تلاش ها باید برای طراحی برنامه های وقایوی بشمول ایجاد زندگی ها و مقاومت های اقتصادی گروه های آسیب پذیر باید ادامه یابد. امکانات زیادی در این راستا وجود دارد که انکشاف و کمک های بشردوستانه را با هم وصل مینماید که بصورت سنتی در انزوا از یکدیگر فعالیت مینمایند.

در میان فعالین بشردوستانه باید یک تعریف واضح تر از اینکه کدام فعالیت ها خشونت مبتنی بر جنسیت را تشکیل میدهد وجود داشته باشد. باور ها در ساحه نسبت به خشونت مبتنی بر جنسیت طوری میباشد که تنها مشتمل بر خشونت جنسی و فیزیکی باشد و توجه خیلی اندک به انواع دیگر خشونت بشمول ازدواج های قبل از وقت و اجباری و محروم سازی زنان از منابع و فرصت ها صورت میگیرد. کارمندان ساحوی بخصوص آناتی که در عرصه بررسی های نیازمندیها و نظارت از محافظت فعالیت مینمایند باید این ابعاد خشونت مبتنی بر جنسیت را درک نمایند.

اگر چه رهنمود ها و منابع جهانی در عرصه جندر میتواند در کمک نمودن به کارمندان ساحوی در تطبیق واکنش های بشردوستانه حساس

از لحاظ جندر مفید ثابت گردد، توجه بیشتر باید به اقتباس این منابع با شرایط محلی، ایجاد حس پذیرش استفاده آن و بیشتر در دسترس قرار دادن آنها با ترجمه نمودن آنها به زبان های محلی معطوف گردد. ترجمه های این منابع باید تضمین نماید که از اصطلاحات محلی در آن استفاده صورت گرفته باشد (بطور مثال برای اصطلاحات جندر «جنسیت اجتماعی» و سکس «جنس» با استفاده از معادل های مناسب آنها در زبان های محلی ترجمه صورت بگیرد).

یک سلسله بحث ها و فرضیه ها در رابطه به نقش جندر در فعالیت های بشردوستانه در میان یکجده فعالین وجود دارد که به آن شدیداً معتقد میباشند. آگاهی بیشتر باید فراهم گردد تا با همچو فرضیه ها مبارزه صورت بگیرد. دادخواهی مبتنی بر شواهد میتواند یک نقش خیلی مهم را در انجام این کار ایفاء نماید، بخصوص با توجه به اینکه این فرضیه ها با شواهد فعلی بصورت فاحش در تضاد قرار دارند. تعداد زیادی از ادارات با راه اندازی برنامه های آموزشی در عرصه جندر و برنامه های ظرفیت سازی دیگر با مشکل قلت دانش و ذهنیت های منفی نسبت به تعادل و تساوی جندر، با ارج گذاری به تفاسیر مناسب فرهنگی و مذهبی این دو پدیده، با آن مبارزه مینمایند. این برنامه های آموزشی باید با این فرضیه های معمول که در این گزارش خاطر نشان گردید مبارزه نموده و آنها را به چالش بکشاند، در رابطه به شواهد موجود بر ضد آن معلومات لازم را فراهم نماید و قضایای نمونوی مربوطه را شناسایی و شامل برنامه سازد تا تغییرات مثبت را بازتاب داده باشد.

## حداقل معیار ها در عرصه عادی سازی (ترویج) جندر در فعالیت های بشر دوستانه

### 2. تطبیق

- فعالیت های اقتباس شده برای جندر بصورت درست مستند ساخته شده و بصورت منظم با استفاده از یک میکانیسم مشترک شریک ساخته میشوند

- حد اقل امتیاز برای نشانگر جندر (Gender Marker) برای تمامی درخواستی ها برای وجوه مالی باید 1 امتیاز باشد. امتیازات صفر پذیرفته نخواهند شد مگر اینکه تغییر داده شوند.

- حد اقل تعداد کارمندان زن در فعالیت های بررسی و تطبیق باید تعیین گردد.

### 3. ارزیابی

- امتیازات نشانگر جندر باید مورد نظارت و ارزیابی قرار داده شوند و نظریات در رابطه به آن به کلاستر ها گزارش داده شود.

- مشاورین ویژه جندر باید برای مرور بر نیازمندیهای بشردوستانه و پروسه های پلان گذاری واکنش های بشردوستانه تخصیص داده شود.

در نتیجه یافته های بررسی واکنش کنندز از دیدگاه جندر، اعضای نیروی کاری جندر در عرصه فعالیت های بشردوستانه، هماهنگ کنندگان کلاسترها و افراد ارتباطی جندر هشت اهداف استراتژی یک ذیل را طرح نمودند تا آنها منحیث حد اقل استندرد ها در عرصه ترویج یا ادغام جندر در فعالیت های بشردوستانه بکار ببرند.

### 1. بررسی

- تضمین از حساس بودن ابزار هماهنگ شده بررسی نسبت به موضوعات جندری و تحلیل تمام اطلاعات جمع آوری شده توسط مسئولین مدیریت معلومات بصورت منظم از دیدگاه جندر

- حسابدگی در عرصه شامل سازی جندر توسط تیم بشردوستانه سازمان ملل متحد در افغانستان

- شامل سازی دولت بخصوص وزارت امور زنان و ریاست های امور زنان در عرصه پلانگذاری و تطبیق بررسی ها با ظرفیت سازی لازم برای آنها ( از طریق نیروی کاری بشردوستانه در عرصه فعالیت های جندر)

# ضمیمه الف: آست بررسی ها

بررسی های کلیدی:

- 1 گزارش ویژه افغانستان در رابطه به حقوق بشر و محافظت افراد ملکی در اختلافات مسلحانه ولایت کندز ماه دسامبر 2015، یوناما و دفتر کمیشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر
  - 2 گزارشات تازه بیجاشدگان داخلی ولایت تالقان الی تاریخ 4 اکتوبر 2015
  - 3 بررسی بیجاشدگان داخلی ولایت بدخشان در نتیجه اختلافات
  - 4 گزارش بحث های تحقیقی گروهی در رابطه به بررسی سریع بازار ها
  - 5 معلومات تازه در رابطه به مراکز حج، 9 اکتوبر 2015
  - 6 کلستر محافظوی زون شمال برای وضعیت اضطراری کندز – مسوده گزارش محافظوی به روز شده به تاریخ 3 الی 13 اکتوبر 2015
  - 7 اداره بین المللی مهاجرت (IOM) – یافته های بررسی کندز 8 نومبر 2015
  - 8 بررسی سریع بشردوستانه چهارچوب و منبع یابی برای شهر کندز (20 اکتوبر 2015) توسط دفتر هماهنگ سازی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد.
  - 9 گزارش مختصر پروژه ظرفیت های بررسی (ACAPS): خشونت در شمال شرق افغانستان، اختلافات و بیجاشدگی در حوزه شمال شرق، شهر کندز و کابل.
- بررسی های دیگر، گزارشات و پرینتیشن های مطالعه شده:
- 10 نظارت از کمک های اضطراری به جمعیت های آسیب پذیر و بررسی MUAC در ولایت آسیب دیده کندز، زون شمال افغانستان، مارچ 2016، ACTED
  - 11 یادداشت درس آموخته شده در عرصه دست یابی خدمات: سقوط ولایت کندز، سپتامبر-اکتوبر 2015، 29 اپریل 2016، شورای مهاجرین ناروی
  - 12 بیجاشدگان داخلی کندز – بررسی محافظت از کمپ های بیجاشدگان داخلی در بیش باتور ولایت تالقان – 11 اکتوبر 2015. نگرانی ها به سطح جهانی.
  - 13 بیجاشدگان داخلی کندز – بررسی محافظت از اجتماعات بیجاشده داخلی ساکن در کمپوند شرکت تالقان – 13 اکتوبر 2015. نگرانی ها به سطح جانی.

# ضمیمه ب: لست اشخاص کلیدی

مزار شریف

- 1 پرویز حکیمی، هماهنگ کننده برنامه محافظت اطفال، دفتر محافظت اطفال، و دارالانشاء زون شمال کلاستر ساحوی خثوننت مینتی بر جنسیت
- 2 فرانسیسکا ویگاگنی، آمر محافظت، دفتر ملل متحد برای مهاجرین، و مسوول کلاستر محافظت زون شمال
- 3 فرید دستگیر، آمر محافظت اطفال، یونیسف، و مسوول زون شمال کلاستر ساحوی خثوننت مینتی بر جنسیت
- 4 راضیه قاطع، آمر محافظت و شخص ارتباطی جندر، دفتر ملل متحد برای مهاجرین
- 5 حفیظ الله صدیقی، مدیر پروژه، زنان برای زنان افغان، و دارالانشاء اسبق زون شمال برای کلاستر ساحوی خثوننت مینتی بر جنسیت
- 6 مبینہ نصرتی، مشاور روانی-اجتماعی، هیئت طبی بین المللی، و رئیس زون شمال کلاستر ساحوی خثوننت مینتی بر جنسیت
- 7 مارک نگلی، مدیر ساحوی (زون شمال)، شورای مهاجرین ناروی
- 8 محمد نور عمری، هماهنگ کننده پروژه های ICLA، شورای مهاجرین ناروی
- 9 محمد یاسین همت، آمر امور بشردوستانه، دفتر هماهنگ کننده کمک های بشردوستانه سازمان ملل متحد
- 10 گفت چتورا، رئیس دفتر ساحوی (زون شمال و شمال شرقی)، دفتر هماهنگ کننده کمک های بشردوستانه سازمان ملل متحد

کنندز

- 1 محمد صدیق زهیر، آمر امور بشردوستانه، دفتر هماهنگ کننده کمک های بشردوستانه سازمان ملل متحد
- 2 عبد القادر نوری، هماهنگ کننده دفتر کنندز، شورای مهاجرین ناروی
- 3 الکسندرا اودوکیمووا، هئیت محافظوی کنندز، کمیته بین المللی صلیب سرخ
- 4 گیٹا بشردوست، مرکز تقویت زنان

تخار و بدخشان

- 1 بیتمن بندری، مشلور حالات اضطرار در برنامه واش، داکار (مستقر در کابل)
- 2 ویجه راغوان، معاون رئیس کشوری برای برنامه سازی، نگرانی ها به سطح جهانی (در زمانی حملات کنندز)

## ضمیمه ج: آجندای ورکشاپ 4

زمان	موضوع	گرداننده/تسهیل کننده
9:00 – 8:30	خیر مقدم گویی با چای/قهوه	دومینیک پارکر
9:20 – 9:00	معرفی – نیروی کاری جندر در فعالیت های بشردوستانه	شروتی اوپادی
9:45 – 9:20	ارائه یافته های کلیدی از قضیه نمونوی کنز و دیگر مطالعات اخیر	جولینی کوربوز
10:30 – 9:45	بحث گروهی 1 – رسیدگی کردن به چالش ها در عرصه برنامه سازی پاسخگو به جندر	
10:45 – 10:30	ارائه نظریات از بحث گروهی 1	
11:00 – 10:45	وقفه – چای و قهوه	بحث عمومی
11:15 – 11:00	ارائه «برگه رهنمود» کلستر رایج سازی جندر در سایر برنامه ها	انو پلی
12:00 – 11:15	بحث گروهی 2 – برنامه سازی پاسخگو به جندر در سکتور ها/کلستر های مختلف	
12:15 – 12:00	ارائه نظریات از بحث گروهی 2	
12:30 – 12:15	جمع بندی و گام های بعدی	
12:30	صرف غذای چاشت	بحث عمومی

4 باخاطر داشته باشید که بنابر کمبود وقت، و گنجاینیدن بحث در مورد برنامه سازی های پاسخگو به جندر در سکتور ها/کلستر های مختلف در بحث های گروهی اول، بحث های گروهی دوم با بحث در رابطه به سفارشات و تطبیق آنها عوض گردید.







**UN WOMEN AFGHANISTAN**

UNOCA Compound  
Jalalabad Road  
Kabul, Afghanistan

Phone: +93 (0)752 141 178

Email: [info.afghanistan@unwomen.org](mailto:info.afghanistan@unwomen.org)

[asiapacific.unwomen.org](http://asiapacific.unwomen.org)  
[www.facebook.com/unwomenasia](https://www.facebook.com/unwomenasia)  
[www.twitter.com/unwomenasia](https://www.twitter.com/unwomenasia)